

بسم الله الرحمن الرحيم

پس کثرت گرایی چه میشود؟

(جواب انتقاد امید بهروزی از تحلیل سماء در رابطه با جدایی بی دینی و بی دینان از سیاست و حکومت در کشورها و جوامع اسلامی ، که تحت عنوان : « کدام حرف و راه حلت را باور کنم؟! » منتشر کرده است) .

آقای امید بهروزی از مواضع سماء در تحلیل : « جدایی بی دینی و بی دینان از سیاست و حکومت در کشورها و جوامع اسلامی » انتقاد کرده و آن را با شعار کثرت گرایی سماء در تضاد دیده است، و بعد از نقل جملاتی از تحلیل فوق الذکر ، می پرسد پس کثرت گرایی چه میشود؟

جواب سماء در این رابطه اینست که اولاً به تحلیل مذکور و دیگر متون سماء از جمله قانون سماء (فصل دوم: افکار و عقاید سیاسی) مراجعه کنید . ثانیاً جهت تسهیل کار خوانندگان ، قسمتهایی از تحلیل نقد شده، در پاسخ ناقد ارائه میشود، و جواب سؤال ایشان بدین صورت داده میشود :

کثرت گرایی چنین میشود :

بله کسی میتواند بگوید که باید اسلام از بین برود و باید مسلمین را از دست اسلام بیرون آورد و آنها را باید از دینشان برگرداند ، کما اینکه در این رابطه بسیار تلاش کرده اند ، اما اینکه کسی بگوید نباید اسلام بر جوامع اسلامی حاکم باشد و شعار جدایی دین اسلام از سیاست و حکومت و اجتماع را سر دهد و بخواهد فرهنگ و عقیده مادی بر مسلمین تسلط و حاکمیت پیدا کند ، عجیب می نماید ، و تنها زور استبداد و سلاحهای مخرب ، همراه با جهل و بی خبری عمیق مسلمین ، میتواند چنین چیزی را میسر گرداند ، همانطور که حالا مسلمین و جوامع اسلامی دارای این وضعیت هستند و با زور استبداد و استعمار و امپریالیسم ، اسلام و مسلمین و جوامع اسلامی را از یکدیگر جدا کرده اند و نظامهای استبدادی و دست نشانده استعماری و امپریالیستی را که مروج مادیت غربی هستند و در پی نابودی اسلام هستند ، بر کشورها و جوامع اسلامی تحمیل کرده اند . و منادیان شعار جدایی اسلام از صحنه سیاست و اجتماع ، در پی نابودی اسلام و اضمحلال تدریجی آن هستند نه اینکه حماقت ، آنها را بدین نتیجه رسانده باشد!! ، و نه اینکه آنها فکر کنند که ماهیت دین اسلام و آیات قرآنی و سنت محمدی اقتضا میکند که اسلام باید از صحنه سیاست و حکومت و اجتماع حذف شود؟! این شعار استعمار و امپریالیسم و دشمنان اسلام و مسلمین است ، و مسلمین باید دشمنان اساسی خود را از طریق این « شعار اسلام برانداز » شناسایی کنند .

اینکه جامعه ای دارای کشور انتخابی و حکومت انتخابی و حاکمان انتخابی و قوانین انتخابی باشد ، خیلی معقول و بدیهی و پذیرفته شدنی میباشد . و این اصل در رابطه با جوامع دیگر هم صدق میکند ، و هر جامعه ای باید کشور و حکومت و قانون و حاکمان آن ، متکی به خودشان و ناشی از خودشان باشد . و همانگونه که غیر از مسلمین و غیر از قوانین اسلامی حق حاکمیت بر مسلمین و جوامع اسلامی و کشورهای اسلامی را ندارد ، مسلمین هم حق حکومت و حاکمیت بر کشورها و جوامع غیر اسلامی را ندارند ، و آنها نیز باید اصول و قیّم خودشان بر خودشان حاکم باشد ، و آنها نیز باید حکومت و حاکمان و قوانینشان ، ناشی از آزادی و آگاهی و انتخاب خودشان باشد .

اصل و اساس و خیر و صلاح بشریت در آزادی و مردمسالاری و کثرت‌گرایی است و زمانی می‌توانیم به آینده بشریت امیدوار باشیم که همگان این اصل را قبول نموده و بدان ملتزم باشند . و در رابطه با بی‌دینی و دینداری هم باید هر کس و جامعه ای آزادی انتخاب داشته باشد و انتخاب شده اش را بر اساس فهمی که اکثریت جامعه بدان راضی میشوند بر خود حاکم نماید . و بر اساس قرار داد ، هر جامعه ای میتواند در مدت چند سالی که تعیین میکند ، در سایه انتخابات آزاد و با حضور جهات و گرایشات مختلف ، فهم اکثریت را اجراء نماید .

این مسئله که چه اسلامی و چه برداشتی از اسلام باید حاکمیت داشته باشد ، چیز دیگری است ، و این مهم تنها از طریق آزادی و مردمسالاری و کثرت‌گرایی قابل حل است ، و این مردم هستند که تصمیم می‌گیرند که چه گرایشی بر آنها حاکمیت داشته باشد . هیچ روش و برداشتی را نمی‌توان بر مردم تحمیل کرد . و اگر چنین چیزی پیش آمد ، این همان استبداد و نظام استبدادی است ، که مایه سرکوب و متلاشی کردن دین و اجتماع و مملکت است و بالاخره سر از جنایت و خیانت و وابستگی و شرک و کفر در می‌آورد و به حاکمیت طاغوت‌های مطلقه و سلطه انسان بر انسان منتهی میشود . (نقل از : تحلیل جدایی بی‌دینی و بی‌دینان از سیاست و حکومت در کشورها و جوامع اسلامی ، که جواب انتقاد را بدون نیاز به توضیح بیشتر جواب میدهد) .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۲۲ - ۷ اسفند ۱۳۸۰